

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

برای اثبات وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت به آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» استدلال شده است با این توضیح که بر پایه‌ی روایاتی که «صلاة الوسطی» را نماز جمعه دانسته‌اند، آیه ناظر به وجوب تعیین این نماز است. تحلیل واژگان نشان می‌دهد مقصود از «حافظوا» صرف انجام نماز نیست بلکه مراقبت مستمر و التزام به اقامه‌ی صحیح آن است، و ظاهر آیه و روایات بر این دلالت دارند که منظور از «صلوات» همان نمازهای یومیه‌ی واجب است. درباره‌ی «صلاة الوسطی»، نظر مشهور فقهای امامیه آن را نماز ظهر دانسته‌اند که در روز جمعه مصداقش نماز جمعه می‌شود؛ اما سید مرتضی آن را نماز عصر می‌داند. در نتیجه، آیه‌ی شریفه دلالت بر وجوب محافظت بر نمازهای یومیه، و به طور خاص، تأکید بر نماز ظهر و نماز جمعه دارد.

تفسیر «صلاة الوسطی» در روایات به نماز ظهر

همان‌گونه که صاحب جواهر نیز تصریح کرده‌اند، در تفسیر «صلاة وسطی» باید به روایات مراجعه کرد؛ زیرا تلاش‌هایی که بر پایه محاسبات ذهنی و تقسیم‌بندی‌های اعتباری صورت گرفته - مانند این‌که عصر را به‌عنوان نماز وسط میان صبح و ظهر از یک سو و مغرب و عشا از سوی دیگر بدانند، یا با چینش‌های مشابه، یکی از نمازها را «وسطی» فرض کنند - همگی از سنخ استحسان، اعتبار و حدس‌اند. از این رو، تعیین مصداق «وسطی» بر اساس چنین محاسباتی جایز نیست، بلکه باید به نصوص روایی رجوع کرد.[1]

در این زمینه، چند روایت صحیح وجود دارد که حتی می‌توان ادعای استفاضه در آن‌ها کرد و همگی دلالت بر این دارند که مراد از «صلاة وسطی»، نماز ظهر است.

از جمله، صحیح زراره از امام باقر (علیه السلام) که در پاسخ به پرسش درباره آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» فرمودند: «و هی صلاة الظهر». در ادامه همان روایت آمده است: «و أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»، یعنی این آیه در روز جمعه نازل شد، در حالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سفر بودند. در همان زمانی که این آیه نازل شد، ایشان در حال سفر بودند و در همان نماز سفر، در حال قیام و پیش از رکوع، دست‌های مبارک خود را بالا آوردند و دعا کردند.

در ادامه روایت آمده است: «و ترکها علی حالها»؛ یعنی این شیوه را بر همان حال باقی گذاشت و استمرار داد، به‌گونه‌ای که نه تنها در همان مورد خاص، بلکه پس از آن نیز همواره - چه در سفر و چه در حضر - به همان صورت عمل می‌کرد. بنابراین، مقصود از «ترکها علی حالها» ترک قنوت نیست، بلکه به معنای باقی گذاشتن نماز بر همان هیئت قنوت‌دار است؛ یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) این کیفیت از نماز را تثبیت کردند و تا پایان عمر بر آن مداومت داشتند.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ

وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَهِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ قَالَ وَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ فَقَنَتَ فِيهَا وَتَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ أَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكَعَتَيْنِ وَ إِنَّمَا وُضِعَتِ الرَّكَعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيُصَلِّهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ. [2]

از جمله روایات معتبر در این باب، صحیحہ ابی بصیر مرادی است.

فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَعْنِي الْمُرَادِيَّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَلَاةُ الْوُسْطَى صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. [3]

افزون بر این، در تفسیر عیاشی نیز چندین روایت نقل شده است که همگی «صلوة وسطی» را به نماز ظهر تفسیر کرده‌اند. بنابراین، بر اساس این مجموعه روایات، روشن می‌شود که مراد از صلاة وسطی، همان نماز ظهر است.

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلَصَّلَاةِ الْوُسْطَى الظُّهْرُ وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ إِقْبَالَ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافَظَتَهُ عَلَى وَقْتِهَا حَتَّى لَا يُلْهِيَهُ عَنْهَا وَ لَا يَشْغَلَهُ شَيْءٌ. [4]

در کنار این‌ها، روایتی نیز در مجمع‌البیان به صورت مرسل از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده است که می‌فرمایند: صلاة وسطی در روز جمعه، نماز جمعه و در سایر روزها، نماز ظهر است. [5]

وَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهَا الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ الظُّهْرُ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ. [6]

بیان استدلال بر اساس روایات

اکنون باید دید بیان استدلال چگونه است. مرحوم آیت‌الله خویی بر این باورند که در مقام استدلال، تنها باید به همین روایت منسوب به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تمسک کرد. [7]

در مقابل، مرحوم آیت‌الله حائری تصریح می‌کنند که در تبیین دلالت آیه، باید دو روایت را به یکدیگر ضمیمه کرد؛ از نظر ایشان صحیحہ زرارہ، به همراه روایت نقل‌شده در مجمع‌البیان بر وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت دلالت دارد. [8]

یک تقریر آن است که صرف وجود روایت منقول از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) - هرچند مرسل - که می‌فرماید مراد از صلاة وسطی، نماز جمعه در روز جمعه و نماز ظهر در غیر جمعه است، برای اثبات کفایت کند. در این صورت، آیه دلالت می‌کند که بر نماز جمعه نیز باید محافظت شود، و این وجوب محافظت، اطلاق دارد و شامل عصر حضور و عصر غیبت می‌شود. بنابراین، آیه بر وجوب تعیینی نماز جمعه دلالت خواهد داشت. مرحوم آیت‌الله خویی همین مقدار را برای استدلال کافی می‌دانند.

وجه ضمیمه روایات در استدلال حائری

اما وجه ضمیمه این دو روایت در استدلال مرحوم حائری این است که در صحیحہ زرارہ تصریح شده است که صلاة وسطی، صلاة ظهر است و در روایت مرسل از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز آمده است که صلاة وسطی در غیر جمعه، نماز ظهر، و در روز جمعه، نماز جمعه است. به نظر می‌رسد آنچه در ذهن شریف مرحوم آیت‌الله حائری بوده، این است که روایت صحیحہ‌ای که می‌گوید آیه در روز جمعه نازل شده است، می‌تواند قرینه و پشتوانه‌ای برای روایت مرسل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) باشد و ضعف ارسال آن را جبران کند. زیرا اولاً روایات متعددی وجود دارد که به صراحت صلاة وسطی را صلاة

ظهر دانسته‌اند و قریب به اتفاق مفسران و فقهای امامیه نیز همین نظر را پذیرفته‌اند. ثانیاً بر اساس صحیح، نزول آیه در روز جمعه بوده است؛ در حالی که در روز جمعه، نماز ظهر به صورت معمول اقامه نمی‌شده، بلکه نماز جمعه تشریع شده بود. با توجه به این‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) در آن روز در سفر بوده‌اند، خود ایشان نماز ظهر را به‌جا آورده و به دستور «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» عمل کرده‌اند، در حالی که کسانی که در حضر بوده‌اند، نماز جمعه را اقامه می‌کرده‌اند. بنابراین، اگر این طایفه روایات در کنار روایت مرسل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قرار گیرد، اطمینان به صدور آن روایت حاصل می‌شود و ضعف سندی آن جبران می‌گردد.

نکته عجیب آن است که مرحوم آیت‌الله خویی خود در مبانی اصولی‌شان تصریح دارند که در حجیت خبر واحد، وثوق مخبری یا وثوق خبری کافی است؛ و حتی اگر وثوق مخبری وجود نداشته باشد، وثوق خبری نیز برای حجیت کفایت می‌کند. با توجه به قرائن یادشده، چنین وثوقی نسبت به این روایت مرسل حاصل می‌شود و از این جهت، می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد.

اشکالات مطرح شده نسبت به استدلال

اشکال نخست: عدم تصریح به نماز جمعه در تفسیر «صلاة الوسطی»

مرحوم آیت‌الله خویی دو مناقشه اساسی در این استدلال مطرح می‌کنند. مناقشه نخست ایشان این است که یا مراد از صلاة وسطی، نماز ظهر است - چنان‌که قول مشهور فقها و مفسران است - و یا نماز عصر است، چنان‌که برخی بدان قائل شده‌اند. اما هیچ‌کس صلاة وسطی را به نماز جمعه تفسیر نکرده و قائل به این معنا نشده است، و هیچ روایت معتبری نیز در این باره وارد نشده است. تنها نقل موجود، روایتی است که طبرسی به صورت مرسل از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آورده است و چون این روایت مرسل است، قابل اعتماد نیست.

ارزیابی اشکال

این اشکال نخست ایشان وارد نیست؛ زیرا آیه شریفه در روز جمعه نازل شده و در آن روز، نماز جمعه مسلم بوده است. از این رو، مفاد آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» به‌طور قطع شامل نماز جمعه نیز می‌شود.

اشکال دوم: ارشادی بودن امر در آیه

اما اشکال اصلی و مهم‌تر آیت‌الله خویی، مناقشه دوم است. ایشان معتقدند که امر «حافظوا» در این آیه، امر ارشادی است نه مولوی؛ مقصود از این ارشاد آن است که شارع مردم را به مراقبت و پایبندی نسبت به نمازهایی که وجوب آن‌ها از پیش و از ادله دیگر ثابت شده، راهنمایی می‌کند.

بنابراین، این آیه در مقام تشریع وجوب نماز جمعه نیست تا بتوان به اطلاق آن تمسک کرد و گفت شامل همه زمان‌ها، از جمله عصر غیبت، می‌شود. بلکه تنها به حفظ و مراقبت از نمازی ارشاد می‌کند که اصل وجوب و شرایط و قیود آن در ادله دیگر بیان شده است. ایشان این اشکال را نسبت به استدلال به آیه نهم سوره جمعه مطرح کردند با این توضیح که اگر کسی به اطلاق «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» تمسک کند و بگوید چون مقید به زمان حضور نشده، پس در عصر غیبت نیز دلالت بر وجوب تعیینی دارد، پاسخ آن است که این آیه در مقام تشریع اصل وجوب نیست تا اطلاق آن قابل تمسک باشد.

همین تحلیل در مورد آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ» نیز جاری است. این آیه تنها به نمازهای واجب، از جمله نماز جمعه، ارشاد می‌کند؛ اما اینکه نماز جمعه با چه شرایط و قیودی واجب است، و مثلاً آیا اقامه آن منوط به حضور امام معصوم (علیه‌السلام) است یا خیر، از ادله دیگر استفاده می‌شود. بنابراین، حتی اگر بپذیریم که صلاة وسطی در روز جمعه همان نماز جمعه است، باز هم نمی‌توان از این آیه استفاده کرد که هر کسی و در هر شرایطی بتواند آن را اقامه کند؛ زیرا آیه در مقام بیان تشریع و تعیین شرایط نیست. [9]

مرحوم آیت‌الله حائری نیز در اشکال دوم خود به این مطلب تصریح می‌کنند که ظاهر آیه آن است که مقصود، تأکید بر محافظت از نمازی است که در وسط روز تشریع شده است؛ یعنی نمازی که در وقت میانی روز قرار دارد. از آن‌جا که عنوان «وسطی» تنها در صورتی بر نماز صادق است که اصل آن نماز در آن وقت، مشروع و جعل شده باشد، روشن می‌شود که آیه پس از جعل و تشریع آن نماز وارد شده است، نه در مقام جعل اصل مشروعیت آن.

بر این اساس، مفاد آیه تنها این است که بر «نماز مشروع وسط روز محافظت شود، و تفاوت تنها در مصداق خارجی آن است به این صورت که در غیر جمعه، مصداق آن نماز ظهر چهار رکعتی است، و در جمعه - در صورت مشروعیت - نماز جمعه دو رکعتی خواهد بود. اما این اختلاف در مصداق، دلالتی بر مشروعیت مطلق نماز جمعه ندارد؛ زیرا اگر نماز جمعه مشروع نباشد، مصداق صلاة وسطی همان نماز ظهر چهار رکعتی خواهد بود، و در هر دو فرض، امر آیه به محافظت از صلاة وسطی محفوظ است.

ایشان در ادامه یک استدراکی از این اشکال را مطرح می‌کنند؛ استدراک ایشان این است که می‌فرماید: بالاخره در زمان نزول آیه، حکم نماز جمعه چه بوده است؟ مسلماً وجوب تعیینی داشته است. اکنون نیز که خطاب «حافظوا» وارد شده، همان‌گونه که متوجه مخاطبان زمان نزول بوده، متوجه ما نیز هست؛ یعنی همان‌گونه که آنان مأمور به محافظت بر نماز جمعه با وجوب تعیینی بوده‌اند، این خطاب برای ما نیز دلالت بر وجوب تعیینی خواهد داشت و در پایان با «فتامل» مطلب را پایان می‌دهد.

در تفسیر فتامل بعید است که این عبارت در کلام ایشان صرفاً ناظر به دقت در همین مطلب باشد؛ زیرا اصل سخن، روشن است. به نظر می‌رسد وجه این تأمل آن باشد که ما از آیه تنها می‌توانیم اصل وجوب در زمان نزول را به دست آوریم، و خصوصیات آن از آیه بدست نمی‌آید. به بیان دیگر، معلوم نیست که آن وجوب در زمان نزول، مختص به عصر حضور یا اعم از زمان حضور و غیبت باشد. در نتیجه، آنچه از آیه استفاده می‌شود صرفاً اصل وجوب است، و این برای اثبات مدعا کفایت نمی‌کند.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] « قیل و هنا أقوال آخر كأنها للعامة، منها أنها الصبح، لتوسطها بين صلاتي الليل و صلاتي النهار، و بين الضياء و الظلام، و لأنها لا تجمع مع أخرى، فهي منفردة بين مجتمعتين، و لمزيد فضلها بحضور ملائكة الليل و النهار، كما قال الله تعالى «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» و لما فيها من المشقة التي تناسب الأمر بالمحافظة عليها، لأنها مظنة التضييع بسبب البرد في الشتاء، و طيب النوم في الصيف مع فتور الأعضاء و كثرة النعاس و شدة الغفلة و محبة الاستراحة، و منها أنها المغرب، لتوسطها بين بياض النهار و سواد الليل، و أزيد من ركعتين و أقل من أربع، فهي متوسطة بين رباعي و ثنائي، و لا تنقص في السفر مع زيادتها على الركعتين، فتناسب التأكيد بالأمر بالمحافظة عليها، و لأن الظهر هي الأولى، إذ قد وجبت أولاً فيكون المغرب هي الوسطى، و منها أنها العشاء، لأنها متوسطة بين صلاتين لا يقتصران: الصبح و المغرب، أو بين ليلة و نهاره، و لأنها أثقل صلاة على المنافقين، و قيل هي مخفية مثل ليلة القدر، و عن بعض أئمة الزيدية أنها الجمعة في يومها، و الظهر في غيرها و أنت خبير أن ذلك كله اعتبارات و استحسانات و تهجسات لا يجوز أن تكون مدركا لحكم شرعي، إنما الواجب الرجوع في ذلك إلى مهابط الوحي و خزان العلم و معادن السر، و قد عرفته، و الله أعلم.» (جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 7، ص 14).

[2] تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج 7، ص 312.

[3] همان، ج 4، 22.

[4] همان، ج 4، 22.

[5] «روایتی دیگری در دعائم از امام محمد باقر (ع) با همین مضمون نقل شده است: وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ

اللَّهُ عَلَيْهِ: أَنَّهُ سُئِلَ عَمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ فَقَالَ افْتَرَضَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سَمَّاها فِي كِتَابِهِ قِيلَ لَهُ سَمَّاها قَالَ نَعَمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ فَدُلُوكِ الشَّمْسِ زَوَالُهَا وَ فِيمَا بَيْنَ دُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ سَمَاهُنَّ وَ بَيْنَهُنَّ وَ غَسَقُ اللَّيْلِ انْتِصَافُهُ ثُمَّ قَالَ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ وَ قَالَ تَعَالَى الْقِيمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَ طَرَفَا الْمَغْرِبِ وَ الْغَدَاةُ - وَ زُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ صَلَاةَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَ قَالَ تَعَالَى - حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ هِيَ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ وَ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ» (دعائم الإسلام، ج 1، ص 131).

[6] تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج 4، 22.

[7] « و أضعف منه الاستدلال بقوله تعالى حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى [7] بتقريب أن المراد بالصلاة الوسطى هي صلاة الظهر في غير يوم الجمعة، و صلاة الجمعة في يومها» (موسوعة الإمام الخوئي، ج 11، ص 17).

[8] « و دلالة الآية على وجوب الجمعة و المحافظة عليها مطلقاً بضم الخبرين، واضحة، من غير احتياج إلى الأمور المذكورة في الآية المتقدمّة.» (صلاة الجمعة (حائري)، ص 130).

[9] «و ثانياً: مع التسليم، فالأمر بالمحافظة إرشادي نظير الأمر بالإطاعة فلا يتضمن بنفسه حكماً تكليفاً مستقلاً، بل مفاد الأمر حينئذ الإرشاد إلى التحفظ على الصلوات، و منها صلاة الجمعة الثابت وجوبها من الخارج على ما هي عليها و على النهج المقرر في الشريعة المقدسة، بما لها من الكيفية و القيود المعتبرة فيها، فلا بد من تعيين تلك الكيفية من الخارج، من اشتراط العدد و الحرية و الذكورية و نحوها، و منها الاختصاص بزمان الحضور و عدمه، فكما لا تعرض في الآية لتلك الجهات نفياً و إثباتاً و لا يمكن استعلام حالها منها، فكذا هذه الجهة كما هو واضح جداً.» (موسوعة الإمام الخوئي، ج 11، ص 18).

منابع

- ابن حيون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، با آصف فيضی، جامع فقه 3 (کتابخانه و دانشنامه تخصصی فقه)، دار المعارف ا مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.
- حائري، مرتضى، صلاة الجمعة (حائري)، قم - ايران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم - ايران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.
- خویی، سيد ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئي، قم - ايران، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، 1418.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.